



## جنگ جاسوسی باندهای مافیائی

بنا به ساختار جغرافیائی، اجتماعی، اقتصادی، ساختار سیاسی ایران در صد ساله اخیر متأثر از سیاست استعماری انگلستان و تابعی از سیاست های منطقه ای امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا بوده و روابط خارجی ایران با کشورهای مختلف دنیا مستقیم یا غیر مستقیم متأثر از سیاست منطقه ای سرمایه داری جهانی بوده است. این روابط در عرصه داخلی تاریخ صد ساله ایران موجبات تغییراتی در ساختار طبقاتی و اجتماعی جامعه گردیده و وضعیت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کنونی را بدنبال آورده است که این تغییرات بدون نگاه به سیاست ارتجاعی و سرکوب داخلی قابل بررسی نیست. عواملی که جامعه را به عقب نشینی وا داشته اثرات مخربی بجا گذاشته است که سالها باید برای جبران عقب ماندگی کشور انرژی صرف شود. ادامه در صفحه ۳

\* \* \* \* \*

## ساسان آل کنعان به اعدام محکوم شد

در تاریخ ۵ دی ساسان آل کنعان ۳۹ ساله به اتهام همکاری با کومه له توسط شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به اعدام محکوم شد. با توجه به اینکه ساسان آل کنعان اتهامات وارده را رد کرده است ولی قاضی دادگاه به اجرای حکم خود اصرار دارد.

همچنین دو فعال سیاسی کرد در زندان سنندج به اسامی عدنان قادری و عثمان مرادی هرکدام به ده سال زندان و تبعید به میناب و خرم آباد محکوم شده اند.

محمد رستم زاده نقاش و استاد دانشکاه، اهل بوکان به ۹۱ روز زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم شده است.

\* \* \* \* \*

## علیرضا جباری را حفاظت و امنیت رژیم ربود!

شنبه هفتم دی ماه علیرضا جباری مترجم و نویسنده توسط سه نفر از نیروهای امنیتی رژیم در منزلش دستگیر و به نقطه نامعلومی برده شد. ادامه در صفحه ۴

\* \* \* \* \*

## جنبش ضد جنگ

**ما هم مخالف صدام هستیم و هم مخالف جنگ!**  
با نزدیک شدن ۲۸ ژانویه و ارائه گزارش نهائی بازرسان تسلیحات کشتار جمعی عراق به سازمان ملل اعتراضات علیه جنگ به اشکال مختلف سیمینارها و طومارها و تظاهرات میلیونی خیابانی اکثر کشورهای پنج قاره جهان را در بر گرفته است. دانشمندان و متفکران قرن نیز به این جنبش پیوسته اند و به اشکال مختلف ناراضیاتی خود را نشان می دهند در قلب امریکا نوشته ای با عنوان "ما هم مخلف صدام هستیم و هم مخالف جنگ!" با امضا نوام چامسکی و ادوارد سعید و مایکل آلبرت صادر شد و به امضا بسیاری از مردم رسید. در این نوشته بشدت سیاست های جنگ طلبانه ایالات متحده امریکا محکوم شده است. ادامه در صفحه ۵

## خودی زنی یا خود زنی

بادهای موسمی بار دیگر ارکان رژیم را به لرزه در آورد. جمهوری اسلامی توام با بحران اقتصادی و اجتماعی با بحران سیاسی فزاینده ای روبروست. این بار بحران سیاسی در فزون طلبی باند ولایتی خلاصه نمی شود بلکه هدف باند ولایتی و هاشمی رفسنجانی حذف کامل باند دوم خردادی است که با جریان پرونده موسوم به نظرسنجی آغاز شده بود با انتشار کاریکاتوری از خمینی، وارد مرحله تعیین کننده ای می شود و چه بسا موجب تلاشی رژیم جمهوری اسلامی گردد.

بر اساس شواهد و قرائن بدست آمده این بار از برگزاری تظاهرات میلیونی و نمایش امت حزب اله خبری نیست. طلاب و روحانیون قم کفن پوش شدند و مردم قم با بی تفاوتی، نظاره گر کفن پوشان شدند، کفن پوشانی که خود دچار یک نوع توهم شده اند که نه گریزی از آن دارند و نه امیدی به آینده. در شهرهای دیگر وضع بهتر از قم نبود. در صورتیکه در اوایل دوران جمهوری اسلامی توهین به خمینی صدها هزار نفر را دچار احساسات کور مذهبی می کرد و میلیون ها نفر را در سراسر ایران به خیابان ها می کشید و شعار ما سرباز توایم خمینی، بگو تا خون بریزیم، در خیابان ها شنیده می شد. با گذشت زمان و با افشای چهره پلید و استثمارگر و غارتگر رژیم جمهوری اسلامی مردم تنها از کنار توهین به خمینی، بسادگی می گذرند بلکه در انتظار سرنگونی رژیم اسلامی لحظه شماری می کنند.

کاریکاتوری از خمینی در روزنامه حیات نو به مدیر مسئولی و صاحب امتیازی هادی خامنه ای برادر سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در ۱۸ دی ماه چاپ و منتشر شد. با درج این کاریکاتور شکست فضاحت بار خمینی و رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شد. این کاریکاتور برای مردم آنقدر دلپذیر بود که روزنامه حیات نو در دکه های روزنامه فروشی کمیاب شد، فردای آن روز مردم به دنبال روزنامه بودند تا چهره پلید و آینده رژیم را در میان خرابه های قرون وسطائی نظاره کنند.

درج کاریکاتوری از خمینی توسط هادی خامنه ای در روزنامه از روی سادگی و یا بدون نظر وی و یارانش در مجمع روحانیون مبارز، منتشر نشده است و باید رازی در آن نهفته باشد. رازی که خاتمی را به ریاست جمهوری رساند. هادی خامنه ای برادر سیدعلی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی کسی است که توانست در منزل خود خاتمی را کاندیدای ریاست جمهور معرفی کند و به عنوان پلی میان روحانیون مبارز و خامنه ای قرار گیرد. حالا مسئله ای متفاوت با سال ۱۳۷۶ در روزنامه ی تحت مسئولیت وی طرح شده است که قابل تعمق است و حکایت از توطئه ی باندهای مافیایی رژیم علیه همدیگر دارد.

رژیم مراجع تقلید سوار بر احساسات مذهبی بخشی از مردم، برای تثبیت رژیم از هیچ گونه توطئه ای دریغ نکرده و با بازی صفحه ۲

**خودی زنی یا خود زنی**

با احساسات مذهبی مردم به قتل و غارت پرداخته و انسان‌های بیشمار را آواره و بی‌خانمان ساخته و مبارزان را شکنجه و اعدام کرده است. همچنین برای تحریک احساسات مذهبی مردم، نوسط عبادی خود در مکان‌های مذهبی و معابر عمومی بمب گذاری کرده و با نسبت دادن به نیروهای مخالف، به شکار مبارزان و روشنفکران مترقی پردازد و قتل و غارت را توجیه کند. آتش کشیدن زندان گرگان و کباب کردن زندانیان و هزاران توطئه دیگر از شیوه‌های مرسوم در جمهوری اسلامی است. این بار انتشار کاریکاتوری از خمینی رنگ و بوی دیگری دارد. بوئی که از لاشه آن بوی تعفن کل رژیم به مشام می‌رسد و تمامی ارکان رژیم را در بر گرفته است. رنگی که این توطئه بخود گرفته قبل از رسیدن به تمرکز قدرت و خذف رقیب، به خذف کل رژیم در صحنه سیاسی ایران منجر خواهد شد.

جمهوری اسلامی بدون راه حلی برای بحرانهای اقتصادی، سیاسی و معضلات اجتماعی بدنبال دریافت وام از بانک‌ها و منابع مالی بین‌المللی و واگذاری میدان‌های نفتی و گازی به شرکت‌های انحصاری بین‌المللی است تا بتواند از این راه بحران اقتصادی، سیاسی و . . . جاری را تخفیف دهد، ولی نبود تمرکز قدرت و رهبری واحد، رژیم را مورد بی‌مهری سرمایه‌های بین‌المللی قرار داده است.

رژیم جمهوری اسلامی با شکست در سیاست خارجی و داخلی در صدد تقویت قدرت مرکزی و ایجاد رهبری واحد در سیاست خارجی است. سران باندهای مافیائی رژیم در مذاکرات پنهانی تصمیم بر حل مشکل چندگانگی در سیاست خارجی بخصوص در رابطه با امریکا گرفته‌اند و حاضر شده‌اند، برای حل این معضل تعدادی را قربانی کنند. باند ولایتی با راه اندازی پرونده موسوم به نظر سنجی در این راه قدم جدی برداشت و بخشی از باند دوم خردادی را مورد حمله قرار داد. باند هاشمی و ولایتی با سران باند روحانیون مبارز از مدت‌ها پیش به توافق رسیده‌اند که افراطی‌های هر دو جناح کنار گذاشته شوند. با انتشار کاریکاتور خمینی توسط هادی خامنه‌ای، کل باند دوم خردادی در دامی بسیار سنگین گرفتار آمده است. هادی خامنه‌ای برای فرار از این وضعیت و نجات خودش، می‌گوید: "من همیشه داشته‌ها و باورهای زندگی سیاسی‌ام در طول بیش از چهار دهه، آکنده از نام خمینی و پیروی از اوست افتخار زندگی‌ام را با وفاداری راه و مرام خمینی پیوند زده‌ام." همچنین روزنامه حیات نو با تصریح اینکه درج این کاریکاتور به معنای توهین به ارزش‌های رژیم نبوده است می‌نویسد: "طرح چاپ شده، در سال ۱۹۳۷ میلادی یعنی ۶۵ سال پیش در جریان اختلافات تاریخی مسئولان امریکا کشیده شده و در مطبوعات این کشور به چاپ رسیده است و اشاره به مخاطرات سرمایه‌های اجتماعی دارد و تصویری از نماد یک مقام قضائی است که موجب شبهه شده و هیچ‌گونه ارتباطی با ایران و مسائل آن ندارد." این توجیه‌ها نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و باند مقابل با استفاده از ضعف رقیب بیش از پیش فشار خود را زیاد کرده و هدف اصلی خود را بر روی نشریات و روزنامه‌ها گذاشته و خواستار تعطیلی تمامی مطبوعات این طیف می‌شود. عسگر اولادی مسلمان عضو شورای مرکزی جمعیت مؤتلفه و عضو هیأت منصفه مطبوعات در جمع طلاب در تهران در خصوص کاریکاتور می‌گوید: "حکم دادگاه چنان باید باشد که همه بدانند حتی یک عمامه به سر و منسوب به عالیترین مقام کشور که فریب خورده برخورد می‌شود و باید به مجازات برسد تا بقیه قلم بدستان حساب کار خود را بکنند." عسگر اولادی ضمن اشاره به عملکرد افـراد

نزدیک به مقامات عالی‌رتبه رژیم و نارضایتی در میان روحانیت، حمله‌ی خود را به قلم زنان منتقد تشدید کرده است.

روحانیون در قم به رهبری باند ولایتی با کفن پوشی به تظاهرات خیابانی و شعار بر علیه نویسندگان دست می‌زنند و نیز در مشهد روحانیون، نماینده ولی فقیه در خراسان و امام جمعه مشهد با تجمع در مدرسه نواب این شهر ضمن اعلام عزای عمومی خواستار تعطیل روزنامه‌ها و نشریات می‌شوند. همچنین آیت‌الله محسن مجتهد شبستری نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی در جمع طلاب و حزب الهی‌ها از قوه قضائیه و تشکیلات امنیتی خواستار شناسائی و سرکوب می‌شود. با این زمینه‌سازیه‌ها، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه وارد میدان می‌شوند. وزارت اطلاعات سه نفر از اعضای هیأت تحریریه علیرضا اشراقی، حمید قزوینی که از نویسندگان روزنامه همشهری نیز هست و احمدی را دستگیر می‌کند. باند ولایتی نیز توسط دادگاه ویژه روحانیت سه نفر را به اسامی محسن مصحفی دبیر سرویس سیاسی، سیاح رضائی مسئول فنی روزنامه و حسین سلیم مسئول صفحات داخلی را جلب می‌کند.

سران و فرماندهان سپاه پاسداران نیز هم سو با باند ولایتی برای هجوم عملی خود را آماده می‌کنند. آیت‌الله نوری همدانی یکی از مراجع تقلید رسمی رژیم در دیدار با پاسداران می‌گوید: "دشمنان قصد یکسره کردن کار و در هم کوبیدن دین و مقدسات در دی ماه ۸۱ را داشتند، مخالفان در روزنامه‌ها، یک جریان تلاش کردند تا چهره امام را مخدوش کنند." از این حرکات معلوم می‌شود که باند ولایتی در صدد یکسره کردن قائله است و حتا چاپ کاریکاتور را شبیه به حرکت کودتائی می‌داند و از این طریق تمایل خود را بکشاندن نیروی نظامی به میدان منازعات نشان می‌دهد. صحبت‌های حجت الاسلام خاتمی رئیس جمهور نشان می‌دهد که سران این باند در این مورد از رقیب خود رودست خورده است. خاتمی چهارشنبه ۲۵ دی ضمن غیر قابل قبول خواندن اهانت به خمینی در رابطه با دستگیری سه نفر از هیأت تحریریه می‌گوید: "من نمی‌دانم وزارت اطلاعات کسی را گرفته یا نه، ولی بهر حال اگر کسی متهم باشد و احتمال و شائبه جرم وجود داشته باشد، با او برخورد می‌شود. این مسئله مهم نیست بلکه مهم این است که برخوردها طبیعی باشد." چند پهلو صحبت کردن خاتمی جای شبهه ندارد ولی این بار با وجود مسئله درگیری درونی جای سؤال دارد. بنظر می‌آید وزارت اطلاعات که زیر مجموعه قوه اجرائی است میدان بازی را عوض کرده است.

باند دوم خردادی عاجز از پاسخگویی اعتراضات توده‌ای و کنترل نیروهای خودی در دامی گرفتار آمده که حتا توان جلوگیری از اضمحلال تشکیلات خود را از دست داده است. باند ولایتی همراه با باند هاشمی رفسنجانی می‌خواهد شعار خروج از حاکمیت باند دوم خردادی را عملی سازد و سیاست بسته‌ای را در کشور مسلط ساخته و با استفاده از بحران منطقه، مذاکرات پشت پرده با دولت آمریکا و تمرکز قدرت در داخل را همزمان سازد.

علی‌رغم تلاش باند ولایتی در جهت تمرکز قدرت، با نبود رهبری واحد، تضاد‌های درونی رژیم عمیق‌تر خواهد شد. از طرف دیگر قوه قضائیه بر اساس مجازات اسلامی و الگوی حکومت اسلامی با حرکات وحشیانه و اعدام‌های علنی و دستگیری و شکنجه و زندان، فعالان سیاسی و عقیدتی افکار داخلی و بین‌المللی را از رژیم دور می‌کند. با وجود احتمال

**خودی زنی یا خود زنی**

جنگ و حمله نظامی امریکا به عراق تمامی معادلات اقتصادی و سیاسی و جغرافیائی منطقه به نفع رژیم جمهوری اسلامی نیست با این وجود رژیم به خرده حسابهای باندهای درونی مشغول است. از طرف دیگر با رشد اعتراضات توده ای و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی و اجتماعی استفاده ابزاری از کاریکاتور خمینی و حمله به سایت های اینترنتی و روزنامه ها نه تنها نمی تواند مشکل رژیم را تخفیف دهد بلکه به دامنه بحران سیاسی جامعه و شدت اعتراضات توده ای خواهد افزود. رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است اعمال قدرت نظامی، توسط سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی را آزمایش کند و قدرت متمرکزی بنفع باند ولایتی و تحت رهبری خامنه ای بوجود آورد. با توجه به گسترش تضادهای درونی و رشد مبارزات توده ای این حرکت شبیه به یک خودکشی است که رژیم را در عرصه داخلی و بین المللی منزوی تر خواهد ساخت. حال که رژیم به خود کشی روی آورده قبل از اینکه مردم تاوان سنگینی بابت این رویارویی پرداخت کنند. باید هرچه زودتر برای رهائی از این بن بست، همزمان با افشا توطئه های جناحهای رژیم با تشکل و اتحاد، برای مبارزه در راه آزادی و دمکراسی توده ای و عدالت اجتماعی اقدام کرد و با تقویت تشکل های صنفی و دمکراتیک، مبارزات صنفی و سیاسی را گسترش داد و با ایجاد شوراهای مردمی آلترناتیو ساختار اداری کشور را فراهم آورد.

\* \* \* \* \*

**جنگ جاسوسی باندهای مافیائی**

ادامه از صفحه اول

بدنبال شکست سیاست استعمارگرانه دولت انگلستان و با گسترش روابط تجاری و مالی و نظامی دیپلماسی کشورها وارد مرحله جدیدی گردید و امپریالیسم امریکا توانست نقش عمده را در سیاست داخلی و خارجی از آن خود کند و رژیم های سیاسی دست نشانده ای را از طریق حمایت از گروه های ارتجاعی داخلی و یا با کودتا بر مردم این سرزمین تحمیل کند. بر اساس روابط جدید و استقرار رژیم های دست نشانده در ایران و ایجاد ساختار اقتصادی وابسته و کنترل مناسبات داخلی و تأثیرات اجتماعی آن، جاسوسی نیز وارد مرحله تازه ای شد و تشکیلات امنیتی ایران را نیز تابعی از ساختار امنیتی خود قرار داد و در اختیار کارتل ها و تراست های نفتی و صنایع نظامی و الیگارشسی مالی قرار داد. با استفاده از جاسوسان محلی و عوامل امنیتی، سیاست داخلی و روابط خارجی ایران را تحت کنترل خود در آوردند و هر گونه رابطه با کشورهای دیگر منوط به تعیین خطوط آن از طرف قدرت امپریالیستی امریکا گردید و دولت بعنوان عامل مستقیم امپریالیستی و ژاندارم منطقه برای حفظ منافع غارتگرانه امپریالیسم در آمد.

رژیم جمهوری اسلامی علی رغم ادعای استقلال سیاسی در منطقه دارای دیپلماسی روشن و مستقلی نیست و تابع شرایط منطقه و متأثر از منافع امپریالیسم آمریکا قرار گرفت و هر چند در ظاهر کش و قوس هایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و نحوه ارتباط جمهوری اسلامی دیده می شود ولی روابط مخفی آن حکایت از سیاست ارتجاع بین المللی دارد. روابط مخفی رژیم با دول امپریالیستی که با وجود اختلافات درونی افشا می شود، نشان از برقراری روابط مخفی سران رژیم با کشورهای امپریالیستی بخصوص انگلستان و امریکا دارد و همچنین خبر از فعالیت سازمان های جاسوسی دنیا در ارگان های امنیتی و قضائی و نهادهای نظامی رژیم دارد که تمامی ارکان جمهوری اسلامی را در بر گرفته است.

باندهای ولایتی و هاشمی رفسنجانی که از وجود رقبا در وحشتند هرگونه اقدام دیپلماتیک باند دوم خردادی را با مسئله جاسوسی هم طراز دانسته و حتا شدیداً از ارتباط عادی و شرکت در جلسات عمومی این جناح ممانعت بعمل می آورند و به بهانه های مختلف افراد این باند را به جرم جاسوسی مورد مجازات قرار می دهند. رژیم جمهوری اسلامی بدون تعریف مشخص و برنامه ای مدون در ارتباط با دنیای خارج، راه را برای یک سری مذاکرات و معاملات پنهانی باز گذاشته است و شیوه معمول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته است و نیز برای طرح ایدئولوژی اسلامی در مناطق مسلمان نشین و ایجاد گروه های تروریستی برای اعمال سیاستهای فشار و تخریب، حمایت های مخفی مالی و نظامی و آموزشی بعمل می آورد. ادامه این سیاست، بدنبال خود به آشفته بازاری در سیاست خارجی دامن زد و هر جناح بنا به موقعیت خود در صدد ارتباط با کشورهای مختلف بر آمدند، این نوع ارتباطات سرانجام از سازمان های امنیتی دیگر کشور ها سر در آوردند و به همکاران امنیتی آنان تبدیل شدند و در ضمن به اسناد و مدارکی دال بر همکاری افراد دیگر دست یافتند که این امر منتهی به تهیه پرونده و اسناد و مدارک بر علیه رقیب گردید.

رژیم باندهای مافیائی برای دستیابی به پورسانت های کلان با اهرم روابط مخفی دست به عقد قراردادهای نظامی و امنیتی و اقتصادی می زند و هر باندی تلاش دارد تا سهم بیشتری از منافع روابط خارجی عایدش شود. به همین دلیل رژیم نتوانسته است، سیاست خارجی واحدی برقرار کند، بهمین دلیل هر گونه ارتباط موجب تنشهایی در روابط باندها بوجود می آورد که آخرین تنش را در ارتباط با پرونده نظر سنجی می توان مشاهده کرد. این تنش موجب افشای برخی از دلالتان جاسوسی امریکا و انگلیس و اسرائیل گردید و درگیری های باندها را وارد فاز جدیدی کرد. این تنش که بدنبال عدم تمایل امریکا به ایجاد رابطه با جمهوری اسلامی شدت پیدا کرد. بنا به قرائن و شواهد موجود دولت امریکا از آشفتنگی درونی رژیم جمهوری اسلامی خبر دارد و مایل نیست با جناحی در ایران وارد مذاکره شود. حتا در اظهارات سردمداران امریکا تمایل به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پوشیده نیست. باند ولایتی رژیم جمهوری اسلامی نیز عاجز از حل مشکلات داخلی، تهاجم خود را با استفاده از پروژه نظر سنجی به باند مقابل در فاز جدید آغاز کرد و باند دوم خردادی نیز با تهدید به افشای برخی از اسناد و مدارک جاسوسی بمقابله برخاسته و از وجود اسناد و مدارکی دال بر جاسوسی، در منازل و یا مکان های تحت کنترل افراد جناح مقابل از قبیل شریعتمداری و آیت الله مصباح یزدی و... خبر داد.

آنچه که مسلم است مسئله جاسوسی باندهای رژیم موضوع جدیدی نیست. باند ولایتی از زمان ایجاد انجمن حجتیه در ایران بصورت سیستماتیک با انگلستان ارتباط داشته و بعد از ملاقات هویز با بهشتی وارد مرحله جدیدی می شود و در روابط مخفی با امریکا و انگلیس در سیاست خارجی رژیم نقش ویژه ای بازی می کند، با ادامه روابط مخفی با امریکا و نیمه مخفی با انگلستان و همچنین سیاست های ارتجاعی رژیم، تنش هایی در روابط با کشورهای اروپائی بوجود می آید که خود موجب تقویت مذاکرات مخفی می شود. رژیم جمهوری اسلامی که در موقعیت کنونی برای تجدید روابط دیپلماتیک با امریکا روزشماری میکند سعی دارد موقعیت های از دست رفته را به نقد بکشد و زمینه را برای مذاکره علنی مهیا سازد. لاریجانی سه شنبه ۱۲ آذر در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری

**جنگ جاسوسی باندهای مافیایی**

دانشجویان ایران می گوید: "مثلاً معتقدم در زمان آمدن مک فارلین به ایران، زمان بسیار مناسبی بود که ما به این قدم امریکا جواب مثبت می دادیم زیرا در آن زمان، امریکا به این نتیجه رسیده بود با ایران پیروز کار کند. البته این امر توسط صهیونیست ها لو رفت، در هیأتی که همراه مک فارلین آمده بود دو جاسوس "موساد" وجود داشت که خود آمریکائی هادر جریان آن نبودند که هواپیمای یکی از آنها به دلیل نقص فنی از بین رفت ولی دیگری توانست به اسرائیل باز گردد."

بگذریم از اینکه در قضیه مک فارلین، خمینی دستور دستگیری مهدی هاشمی را صادر کرد و سر مهدی هاشمی از نزدیکان منتظری بیاد رفت و باز هم بگذریم که مک فارلین کلتی به هاشمی رفسنجانی بعنوان هدیه داد و کیک، انجیل و موشک تاور آورد و مذاکره هم انجام شد. ولی وجود این دو جاسوس در میان مک فارلین صیغه دیگری است و بنا به گفته لاریجانی حتا آمریکائی ها از وجود آنان بی خبر بودند که هواپیمای یکی سرنگون و دیگری به راحتی به کشور خود با هواپیمای اختصاصی برگشت. بنا بر این می توان نتیجه گرفت که نفرت خمینی از افشا این رابطه مخفی بود که دستور دستگیری مهدی هاشمی و اعدام او را صادر کرد تا از افشا توطئه عظیمی که کل رژیم را زیر سؤال می برد، جلوگیری کند. در ادامه همین مصاحبه لاریجانی در مورد مذاکراتش با نیک براون پیش از خرداد سال ۱۳۷۶ می گوید: "مذاکره ای که در سفارت و با حضور کارشناسان نظام صورت بگیرد، نمی تواند مذاکره ای محرمانه با یک کشور اجنبی باشد چرا که هیچ آدم عاقلی در سفارت خودش و حضور کارشناسان پذیرفته شده، مذاکره محرمانه نمی کند."

هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود یاد آور می شود، که از اول پیروزی انقلاب مذاکره و مناسبات با انگلستان در انحصار آیت اله واعظ ظهیری روحانی قدرتمند و تولید آستان قدس رضوی بوده و هست. هاشمی با طرح این مسئله در صدد است که انحصار مذاکره با دولت امریکا را در دست خود داشته باشد و با استفاده از کارگزاران سازندگی ساختار سیاسی را بدست گیرد و در معامله با جناح خامنه ای در ادامه مذاکره مخفی با امریکا دست بالا را داشته باشد. حرکت آنها در مذاکره محرمانه با امریکا در قبرس توسط باند دوم خردادی افشا می شود و با احضار نژاد حسینیان به تهران این سیاست نیز شکست می خورد.

باند خامنه ای و رفسنجانی که از افشا تماس های مخفی با امریکا نگران شده بودند، سیاست دوگانه ای را در مذاکره با امریکا پیش می گیرند. این باند با اسرار به ادامه تماس های مخفی در صدد برگزاری مذاکرات علنی از طریق نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد با دولت امریکا می شوند و ظریف مأموریت این کار را بعهده می گیرد. باند دوم خرداد نیز با طرح مذاکره از طریق مجلس شورای اسلامی وارد میدان می شود و خواستار مذاکره نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان کنگره امریکا می شود. با پافشاری به صحت نتیجه نظر سنجی در مورد مذاکره با امریکا خود را محق به برقراری رابطه با امریکا می داند.

باند شکننده خامنه ای و هاشمی با استفاده از پرونده نظر سنجی، جناح دوم خردادی را مورد حمله قرار داد و در این ارتباط عباس عبدی، بهروز گرانیپایه و حسین قاضیان را به اتهام جاسوسی و دیدار با گری سیک مشاور امنیت ملی دولت امریکا و ریچارد مورفی معاون سابق وزیر امور خارجه امریکا و ویلیام میلر مسئول امور ایران سازمان جاسوسی امریکا و

همچنین سندی دال بر فروش اطلاعات به یکی از مؤسسه های منطقه ای گالوپ که بنا به ادعای علی اصغر تشکری "معاون رئیس کل دادگستری تهران" مؤسسه پوششی سرویس اطلاعاتی امریکا است، دستگیر و روانه زندان کرد. این نظر سنجی که با سفارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و درخواست مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و توسط سه مؤسسه همکار و یا وابسته به وزارت اطلاعات، جهاد دانشگاهی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت در اختیار باند دوم خردادی هاست. حسینعلی قاضیان مدیر عامل مؤسسه نظر سنجی آینده، گفته است که عبدی نه تنها اسناد سری را از دستگاه های رسمی دریافت می کرده است بلکه بطور مستمر با افرادی در وزارت اطلاعات جلسه داشته و آخرین اطلاعات را از آنها دریافت می کرده است. در ادامه قاضیان گفته: "عبدی وصل شدن او به سرویس های اطلاعاتی خارجی را فراهم کرده است. من سابقه کار امنیتی نداشتم اما او کار اطلاعاتی کرده و به مسائل جاسوسی وارد بود و من را برای این کار واسطه کرده بود."

دادگاه عباس عبدی تشکیل و اتهامات وارده توسط عبدی پذیرفته می شود که از طرف دوم خردادی ها با عکس العمل مختلفی روبرو می شود. شکوری راد نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون اصل ۹۰ ضمن بیان دوستی با عبدی و ابراز اعتماد به وی در باره پرونده نظرسنجی می گوید: "اگر بنا باشد اجازه دهند خانه شریعتمداری و ده نمکی و مصباح یزدی که پست حکومتی ندارند بازرسی شود به مراتب اسناد محرمانه تری ممکن است در آنجا پیدا شود، آیا حاضرند این کار را انجام دهند؟" این حرف ها نشان می دهد، هر کدام اسنادی را برای معامله در گاو صندوق های خانه خود دارند و عطاری اسناد محرمانه درست کرده اند.

احضار های اخیر در رابطه با پرونده نظرسنجی نشان از اوج بحران و تلاش جناح ولایتی و هاشمی برای حذف باند دوم خردادی است تا بتواند بطور یک جانبه به مذاکره مستقیم با دولت امریکا وارد شوند. با توجه به افشاکاری های جاری، می توان دریافت که باندهای رژیم غرق در عملیات جاسوسی شده اند.

\* \* \* \* \*

**علیرضا جباری را حفاظت و امنیت رژیم ربود!**

ادامه از صفحه اول

نیروهای امنیتی بعد از ۱۰ روز بصورت مشکوک و ناشناس به منزل جباری تلفن زده و با مکالمه کوتاه از حال وی خبر دادند.

خانواده جباری در طی این مدت با مراجعه به کلانتری ها ، دادسرا، دادگاه و زندان و . . . ولی هیچ کس مسئولیت دستگیری وی را بعهده نمی گیرد و هنوز هم خانواده وی اطلاعی از وضعیت او ندارند. مهر آهنگ جباری دختر جباری در نامه سرگشاده به خاتمی خواستار رسیدگی و روشن شدن وضعیت وی می شود. او در نامه آورده است: "چند روز قبل در تاریخ ۷-۱۰-۸۱ که از مدرسه به خانه آمدم، دقیقاً ساعت ده و پنج دقیقه بود متوجه اوضاع غیر عادی منزل شدم." در ادامه می نویسد: "او به اتفاق سه نفر مرد دیگر در منزل ما بودند. مادر و خواهرم هم نبودند بعد که رفتم داخل متوجه شدم پدرم را دستگیر کرده و برای تفتیش خانه به منزل ما آمدند. خانه را زیر و رو کرده بودند و مقداری کتاب و مجله و فیلم خانوادگی و دیسکت و کیس کامپیوتر را به همراه پدرم بردند."

**علیرضا جباری حفاظت و امنیت رژیم ربود!**

ادامه از صفحه اول

**سیامک طاهری دوست جباری نیز ربوده شد**

بنا به گزارشات ۲۳ دی ماه سیامک طاهری نویسنده ادبیات کودکان و دوست دیرین جباری توسط افراد حفاظت و اطلاعات رژیم ربوده شد و از محل او نیز اطلاعی در دست نیست. سازمان ترور رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر تور گسترده ای را برای شکار روشنفکران باز کرده و آنها را برای شکنجه به خانه های مخفی می برند.

بنا به اطلاعات دریافت شده باز داشت شدگان در اداره اماکن نیروهای انتظامی زندانی شده اند.

شنبه ۱۴ دی ماه شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست خاتمی مصوبه ای برای شناسائی و کنترل سایت های اینترنتی را در دستور کار کمیته ای با مسئولیت وزارت اطلاعات قرار داد و این کمیته شامل نمایندگان وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد اسلامی و سازمان رادیو وتلوویزیون هستند. گفته می شود بدنال فعالیت این کمیته هجوم به سایت های اینترنتی شروع شده است و همچنین دستگیری جباری و طاهری و طواف در این رابطه انجام شده است.

\* \* \* \* \*

**جنبش ضد جنگ****ما هم مخالف صدام هستیم و هم مخالف جنگ!**

ادامه از صفحه اول

۱۸ ژانویه دوازدهمین سال روز جنگ خلیج سراسر جهان شاهد صف آرایی مخالفین جنگ با حمل پلاکاردها و شعارهای ضد جنگ بود. مردم امریکا با شعار "با نام ما نه" و " برای نفت نه" بر علیه جنگ برخاستند. در واشنگتن ده ها هزار نفر در تظاهراتی به مخالفت با جنگ قیام کردند و در سانفرانسیسکو مردم پیشتاز مخالف با جنگ ویتنام با دوپست هزار نفر به راهپیمائی پرداختند این تظاهرات بعد از جنگ ویتنام بی سابقه بود. زنان امریکا در این اعتراضات فعالانه شرکت کردند و "جنبش زنان برای صلح" طی اطلاعیه ای از زنان سراسر جهان خواست تا در اعتراضات ضد جنگ شرکت کنند. در تمامی این اعتراضات مردم امریکا با محکوم کردن اقدامات جنگ طلبانه دولت امریکا خواستار توقف جنگ شدند. در انگلستان شهرهای لندن و برادفورد شاهد تظاهراتی علیه جنگ بود. در آلمان در شهرهای هایدلبرگ، هامبورگ و کلن و... هزاران نفر تظاهرات کردند و ۸۰ هزار نفر شرکت کننده برای بزرگداشت یاد رهبران کمونیست آلمان در آرامگاه روزا لوکزامبورگ و لیبنخت علیه جنگ به شعار پرداختند و از دولت آلمان خواستند به هیچ وجه در جنگ شرکت نکنند. در برزیل و آرژانتین جنبش ضد جنگ به نمایشات خیابانی دست زد. مسکو شاهد هزاران تظاهر کننده بر علیه جنگ بود. در هلند مخالفین جنگ به داخل محوطه یکی از پادگان ها وارد شدند و پلیس تعدادی از شرکت کنندگان را بازداشت کرد. در مصر و سوریه هزاران نفر علیه جنگ به راهپیمائی در خیابان ها پرداختند. در بحرین و بیروت هزاران نفر به خیابان ها آمدند و سیاست های جنگ طلبانه دولت امریکا را بشدت محکوم کردند. تمامی شرکت کنندگان بر علیه جنگ با محکوم کردن سیاستهای جنگ طلبانه دولت بوش و تونی بلر خواستار توقف جنگ شدند.

\* \* \* \* \*

**هجوم جدید به روزنامه ها و نشریات**

بدنبال توقیف روزنامه بهار به علت افشا دزدی های امامان جمعه تهران و رفسنجانی، جنتی و یزدی روزنامه حیات نو روز شنبه ۲۱ دی بدنال چاپ کاریکاتوری از خمینی توسط دادسرای ویژه روحانیت تهران توقیف شد.

و ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره این روزنامه دستگیر و بازداشت شدند. فرهنگ فرد نیا مدیر مسئول روزنامه توقیف شده آفتاب امروز با رای قاضی صارمی رئیس شعبه ۱۴۰۸ دادگاه عمومی تهران، به اتهام های نشر اکاذیب به منظور تشویش اذهان عمومی، ایراد افترا و تبلیغ علیه نظام در جریان چاپ و انتشار مطلبی با عنوان " رهبر هیچ گاه فراقانونی نیست" به ۵ سال محرومیت از کلیه فعالیت های مطبوعاتی ده میلیون ریال جزای نقدی تبدیلی حبس و شلاق و ۶ ماه تعطیلی روزنامه محکوم شد. در ضمن به استناد تبصره ۲ قانون مطبوعات، حکم لغو امتیاز روزنامه آفتاب امروز نیز صادر شد.

\* \* \* \* \*

**پروانه نشریه شمس تبریز لغو شد**

طبق حکم نهائی از سوی شعبه ۶ دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی پروانه نشریه شمس تبریز لغو شد. علی حامد ایمان مدیر مسئول هفته نامه شمس تبریز به اتهام ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه و طرح مسائل قومی، نژادی، مذهبی و توهین به مقدسات اسلامی به هفت ماه و هفتاد و دو ضربه شلاق محکوم شد.

\* \* \* \* \*

**ضد مارکسیست خرافاتی**

با اقتباس از بولتن سیاسی خبری اتحاد چپ کارگری ایران شماره ۱۳۱ صفحه ۵

این بولتن اشاره به دیدگاه خرافاتی زنی می کند که نه تنها همسر نخست وزیر بریتانیا است، بلکه در سراسر تاریخ معاصر حزب کارگر نو" به عنوان چهره روشنفکر حزب، مغز متفکر خانواده بلر و قاضی دادگاه معرفی شده است. و می آورد: "داستان از آنجا آغاز می شود که خانم بلر توسط مشاور زیبایی اش کارل کاپلین با پیتر فوستر کلاهدردار شناخته شده ی استرالیائی آشنا می شود. اما اعتماد صد در صد خانم بلر به مشاور زیبایی اش کارل کاپلین از جنبه های جالبترین این داستان هیاهو ساز است. اعتماد خانم بلر به کاپلین آنچنان است که وقتی او فوستر را معرفی می کند، خانم بلر پس از اولین دیدارش، امور مالی خانوادگی خود را به این کلاهدردار موکول می کند. اما این اولین بار نیست که کاپلین، خانم بلر را گول زده است خانم کاپلین سالهاست شری بلر مغز متفکر! حزب سوسیال دمکرات بریتانیا را قانع کرده است، برای دور کردن امواج منفی تکه شیشه ای دور گردن خود ببندد. پند و اندرز ایشان در مورد زیبایی و حفظ جوانی شامل توصیه های خرافی عقب افتاده ترین جادوگران هندی است! نخست وزیر بریتانیا و همسرش کلیه توصیه های کاپلین را مو به مو و مذهبی گونه دنبال می کند. البته باز همه ی اینها اشکالی نداشت و مسئله خصوصی آنها بود، اگر خانواده بلر در چند سال اخیر اینگونه با سماجت دیدگاهها و ایدئولوژی های علمی چون مارکسیسم را به سخره نگرفته بودند. آقای بلر که معتقد است، عهد مارکسیسم گذشته چون دیگر طبقات وجود ندارد! عقل کل حزب و خانواده اش زنی است که برای دور کردن امواج منفی و دید شوم باید به سحر و جادو اکتفا کند و از یک تکه شیشه یاری طلبد!! خانم و آقای بلر که به کارگران بریتانیا توصیه می کنند دست از افکار عقب مانده مارکسیستی !! بردارند، خود عقب افتادگی چشمگیری در رابطه با خرافات مذهبی نشان می دهند و بالاخره رهبر دولتی که به مردم جهان عرب توصیه می کند گول بنیادگرایان مذهبی و القاعده را نخورند، در انتخاب گوروهای زیبایی و جوانی جادوانه کم شعوری بی سابقه ای از خود نشان می دهند، به قول معروف "دیگ به دیگ میگو، روت سیاه".

با مسائلی که از خانم بلر افشا شده واضح است، فرهنگ عقب افتاده، دیدگاههای خرافاتی مختص شهروندان نیم کره جنوبی با معتقدان به مذهب با دین خاصی نیست. دیدگاههای غیر علمی می تواند قربانیانی در نخبگان پیشرفته ترین جوامع پیدا کند!

## اخبار داخلی

## دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

## اخبار دانشجویی

## آق منگل نشریه دانشجویی نیز تعطیل شد

نشریه دانشجویی آق منگل وابسته به دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان از سوی کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی این دانشگاه به اتهام توهین و افترا به منع انتشار دائم محکوم شد.

\* \* \* \* \*

## دانشگاه هرمزگان بندر عباس

## ده ها تن از دانشجویان دانشگاه هرمزگان دستگیر شدند

روز دوشنبه ۲۲ دی ماه بدنبال صدور حکم تخلیه خوابگاه ستاره بندر عباس توسط دادگستری استان هرمزگان دانشجویان در خیابان روبروی خوابگاه تحصن کرده ضمن شعار دادن علیه مدیریت دانشگاه خواستار لغو حکم دادگستری و رسیدگی به خواسته هایشان شدند. نیروهای انتظامی محل را محاصره کردند بدنبال عدم پاسخگویی به خواسته های دانشجویان تعدادی از دانشجویان را دستگیر کردند.

\* \* \* \* \*

## دانشگاه یاسوج

## ۴۰ تن از دانشجویان دانشگاه یاسوج محاکمه می شوند

روابط عمومی دانشگاه یاسوج اعلام کرد، جلسه دادگاه روز ۷ بهمن ماه برگزار می شود و به محاکمه دانشجویانی می پردازد که در این دانشگاه به اعتراض دست زده بودند. این جلسه سومین جلسه دانشجویان معترض دانشگاه یاسوج است.

\* \* \* \* \*

## دانشگاه امیرکبیر تهران

جواد طواف یکی از دانشجویان سابق دانشگاه امیرکبیر سه شنبه ۲۴ دی ماه توسط نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شد. وی قبلاً توسط دادگاه مورد محاکمه قرار گرفته و ۲۵ دی ماه با خانواده خود تماس گرفته است.

\* \* \* \* \*

**نشریات کارکمونیستی، ریگای که ل، جهان کمونیستی و آخرین اطلاعاتی های سازمان را از آدرس غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید**

## سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

## فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

## آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

## آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

## آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se

## دانشگاه علم و صنعت

روز شنبه ۷ دی ماه در اعتراض به کمبود امکانات رفاهی و اخراج ۳۰۰ نفر از دانشجویان این دانشگاه در مقابل ساختمان ریاست دانشگاه دست به اعتراض زدند. با انتخاب دو نماینده و مذاکره با رئیس دانشگاه با طرح مسائل صنفی و باز گرداندن دانشجویان اخراجی با رئیس دانشگاه به مذاکره پرداختند و رئیس دانشگاه بوعده و وعید پرداخت. دانشجویان در مقابل بی توجهی رئیس دانشگاه به خواسته های دانشجویان با شعارهایی علیه رئیس دانشگاه وارد دفتر ریاست شدند. دانشجویان ضمن اشغال دفتر به طرح خواسته های خود پرداختند و خواستار حل مشکل صنفی و بازگشت دانشجویان اخراجی به سر کلاس و همچنین دانشجویان خواستار استعفا شمرتاش رئیس دانشگاه و بهشتی معاون امور دانشجویی شدند. روز یکشنبه به دنبال اعتراض حدود ۱۵۰۰ نفر دانشجو، بهشتی معاون دانشجویی دانشگاه به تهدید دانشجویان پرداخت.

\* \* \* \* \*

## دانشگاه هنر اصفهان

سه شنبه ۳ دی ماه تعدادی از دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان در سالن آمفی تاتر این دانشگاه در اعتراض به حرکات اخیر مسئولین دانشگاه و فساد در سیستم اداری دست به تحصن زدند. این تحصن بدنبال وعده معاون سیاسی و امنیتی استانداری اصفهان پایان یافت و دانشجویان اعلام کردند تا ۲۷ بهمن ماه منتظر عمل به وعده خواهند ماند و در صورت خلف وعده برای رسیدن به خواسته های خود دست به تحصن خواهند زد.

\* \* \* \* \*

## دانشگاه تهران

چهارشنبه ۱۱ دی دانشجویان متحصن دانشگاه تهران در نامه ای ۵ ماده ای، شرط خاتمه تحصن را به رسیدگی به این ۵ ماده دانستند و متذکر شدند، در غیر این صورت به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

در پی وثیقه صد میلیون تومانی برای آزادی بهنام امینی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران با انتشار اطلاعیه ای خواستار آزادی وی می شوند. در اطلاعیه آمده است: "این وثیقه صد میلیون تومانی تقریباً با بودجه سالیانه دانشکده برابری می کند."

\* \* \* \* \*

## دانشگاه فردوسی مشهد

جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به تعطیلی سه نشریه دانشجویی از سوی کمیته انضباطی و حکم تعلیق ۲ ترم از یکی از دانشجویان در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه تحصن کردند. با سخنرانی و وعده حل مشکل دانشجویان توسط معاون دانشجویی دانشگاه، تحصن خاتمه یافت. همزمان با تحصن دانشجویان ۲۰ تن از مدیران نشریات دانشگاه با بیانیه ای به ضرب و شتم عباس نخعی مدیر نشریه عصر آگاهی اعتراض کردند.

\* \* \* \* \*